

چرا افکر کنیم؟

روش فکر - تفاوت فکر - لزوم فکر - فکر دانشمند
فکر عامی فکر مرد - فکر زن - فکر جوان فکر پیر - فکر مؤمن -
فکر فاسق - فکر از نظر عقل - فکر - از نظر قرآن - فکر از نظر روایت
فکر از نظر اجتماع و بالاخره چرا فکر کنیم ؟

موضوعی که امسال در نظر گرفته شده و عنوان میشود بالاترین
و بزرگترین مسائل انسانها است و اگر انسان اهمیت آنرا بداند و بفهمد
که هر گونه ترقی و تعالی مادی و معنوی ، فردی و اجتماعی وابسته به
تفکر و تعقل است تغییر بسیاری در مسیر و برنامهها بوجود خواهد آمد و
انسانها با توجه و اهمیت بآن میتوانند بسوی تکامل جهش کنند. لذا اسلام
در باره فکر سفارشات مهمی دارد که برخی از آنها در لابلاهای این گفتار از نظر
خوانندگان میگذرد .

روش فکر

ناگفته پیداست فکر کردن روشهای زیادی دارد و برای اندیشه
و فکر طرحهایی ریخته شده است و اصولی را برای فکر و تأمل وضع
کرده اند و برنامههایی را نشان داده اند که اگر بامتد و روش درست باین
مسئله عنایت شود مسیر زندگی عوض میشود .

تفاوت فکر

پرواضح است که طرز فکر افراد خیلی مختلف است. آب و خاک و نژاد و مذهب، عقیده و مسلک؛ قانون و وراثت و محیط و خوراک، هر یک اثراتی در انسان بوجود می‌آورد و فکرها تفاوت پیدا می‌کنند و مسیر زندگی هر یک را همین فکر تعیین مینماید که با تغییرات و حالاتی در اجتماعات گوناگون تفاوت فکر، مرام و مذهب، عقیده و هدف، برنامه و فرهنگ اقتصاد و اخلاق مختلفی بوجود می‌آید و تمام خوشبختیها و بدبختیها؛ رنجها و دردها، آدم کشیها و دزدیها معلول همین علت و ژائیده تفاوت فکر است.

لزوم فکر

بنا بر این فکر اولین پایه زندگی آدمی و تنها نردبان ترقی و سعادت هر انسان است و هر چند در حال تحقق و تفکر بیشتری بر آید پله‌های زیادتری از این نردبان را خواهد پیمود و بدون فکر راهی بکمال باژ کردن و به آسایش رسیدن و خواهان زندگی بهتری بودن غیر ممکن است و بزرگترین پایگاه و ساختمان یک انسان همان دستگاہ فکر اوست باید این دستگاہ ارژنده به فعالیت و کار افتد و بکوشش و جدیت مامور شود و با اسباب و وسائل و ابزار مختلف بچریان و گردش در آید تا بوسیله همین بزرگترین سرمایه و بهترین راه پیشرفت بکمال زندگی رسد و چرخ زمان را بچلو برد و هر چند زمان به ترقیاتی دست یافته و یا بمعلوماتی رسیده و پلکان دانش را پیموده و تحولاتی در زندگی انسانی بوجود آمده است همه و همه در اثر وجود کسانی بوده که بر شد و نبوغ فکری

ناآل شده و در پرورش و توسعه آن کوشیده اند و از هر گونه موقعیتی استفاده کرده و همواره در این راه آمادگی داشته و محیط و استعداد و دیگر عوامل هم آنها را کمک کرده است.

قرآن کریم از نظر اهمیت فکر که امروز لزوم آن را جهان دریافته است در آیاتی چند بصورت‌های مختلف اعلام کرده و هشدار میدهد. آیا فکر نمیکنند؟ آیا باین قدرتها و شگفتیهای آسمان و زمین و آنچه در آنهاست نمی‌نگرند؟ آیا درباره این پدیده‌ها اندیشه‌ای نمی‌نمایند و مورد نظر و فکرها نیست؟ و یا در ذکر داستان و امثال همچنین قرآن جلب توجه کرده که می‌خواهد کشش فکری دهد و نیز روایات زیادی درباره سفارش و توجه باندیشه و فکر وارد شده است تا آنجا که فرموده اند: یک ساعت فکر مطابق یکسال (یا ۷۰ سال) عبادت است و از این قبیل روایات بسیار است که ذکر تمام آنها از عهده بیرون است و بالاخره آن مقدار که در قرآن مجید و احادیث راجع به تفکر و تعقل بیان و توجه شده شاید در باره دیگر مسائل این اندازه بحث نشده و آیات و اخبار نرسیده است.

و اگر هم روزی این بحث و گفتگو دامنه بیشتری در انسان‌ها پیدا کند و همه جایی شود مسلم راه فساد و جهل و روزنه‌های دیگر بدبختی که بروی جوامع بشری بازا است بسته خواهد شد و هر چه روزنه فکر وسیع تر گردد در ریچه گناه کوتاه تر می‌شود و این دو با هم رابطه مستقیم دارند.

فکر دانشمند

به آن اندازه که اسلام برای تعلیم و تربیت و دانش و فرهنگ و ایمان و فرا گرفتن علوم سفارش کرده دیگر مسائل اجتماعی اسلامی را

تحت الشعاع خویش آورده است و تمام مراحل و مراتب زندگی مادی و معنوی را خواسته است با چراغ دانش روشن باشد و پیش برود و قرآن هم همواره در باره کاوشهای علمی و سیر آفاق و تفحصات دیگر علماء را مورد خطاب قرار داده و بیشتر افکار آنان را ملاک نظر دانسته است بطوریکه از آیه ژیر و آیات دیگر این موضوع مسلم می شود که میفرماید: «خدا بر یگانگی خود شهادت داده و فرشتگان و صاحبان دانش (و خرد) بر این امر گواهی دهند...» (۱)

از جلال و جمال و مقام کبریائی خدا فقط دانشمندان متوجه بوده و مینگرند فقط از خدا بندگان دانشمند میترسند» (۲) «صاحبان بصیرت (و دانش و عقل) عبرت گیرند» (۳)

بنا بر این مقام دانش و علم در اسلام از هر چه بالاتر است و ژینده تر بر قامت رسای انسانی از لباس دانائی چیزی منصور نیست که خود این در لابلای روایات و ارزشهای اجتماعی اهل دانش و توصیه های دیگر ارجمندترین رهبران انسانها یعنی رسول اکرم اسلام و خلفای و الامامهاست که درجات علم را ستوده اند روشن می شود و هم چنین گفته ها و ستوده های دیگر مردم که پی بمقام فکری دانشمندان برده اند آری در تلاطم زندگی و طوفان حوادث و بحران اخلاقی و اقتصادی و فساد بنا بگفته سعدی عابد سعی میکنند که خود را برهاند ولی دانشمند میکوشد غرق شدگان را نجات دهد و اینجا شاهد مثال بسیار است ولی از نظر اطاله کلام از ذکر آن میگذریم .

(۱) سوره آل عمران آیه ۱۷

(۲) سوره فاطر آیه ۲۵ (۳) سوره حشر آیه ۳۰

فکر عامی

بدانگونه که فکر دانشمند گروه‌ها را می‌گشاید و افق تاریک را روشن
مینماید و دردهای اجتماعی را التیام میدهد و راه‌های زندگی را هموار
میکند و جهان صلح و آرامش را همراه می‌آورد و زمین را به‌دانش و داد
می‌آراید به همان اندازه یک انسان عادی از فکر برای خرابی زمین به
عناوین مختلف خراب کاری دارد و رویانهای مادی و فکری برای خود
و جامعه بیار می‌آورد و فساد و خرابیهای زندگی بیشتر بوسیله اینگونه
مردم است.

این‌ها ایند که نارسائی فکری دارند و قدرت کشش عقل و خرد را ندارند
و جهش فکری نجسته و نتوانسته‌اند بخوبی و ژبائیهای عالم پی برند و بدی
و مفاسدش را بشناسند و بدانند و تشخیص خوب و بد را بدهند و آوای انسانیت
را در فضای عدالت بشنوند و مناظر حق‌شناسی را به بینند و ارزشهای زندگی
اخلاقی و معنوی را درک کنند لذا اقر آن اینگونه مردم را بباد انتقاد گرفته و
در اثر انحراف فکری ملامت کرده: «آنها قلب دارند و نمی‌فهمند؛ چشم دارند
و نمی‌بینند و گوش‌هایشان نمی‌شنود و آنها غافل‌اند» (۱) «... آنان چون چهار
پایان بلکه گمراه‌ترند» فکر عامی هرگز اطراف و جوانب خود را بیشتر
نخواهد دید و هر چه ببیند و می‌خواهد فقط برای خویش تن است و دیدگاه
او بیش از یک زندگی مادی نیست و آرزوی او بجز به‌ثمر رساندن خواهشهای
دل‌چیز دیگری نخواهد بود و او هر چه می‌خواهد و هر چه میکند و هر گونه
تحولی بوجود آورد فقط بامید رسیدن بآمال است و بس او هرگز نمی-

تواند برای خاطر يك انسانی فکر کند و مقصود و مقصدش اجتماع و مردم باشد و خیر و صلاح دیگران را خیر و صلاح خود بداند و خود را یکی از اعضا و پیکر اجتماع درك کند و چشم خرد و فکرش قدرت و توانائی دیدن غیر عالم محسوسات را ندارد و پوشش و پرده‌های آژوشهوات او را در ژندگی عقلانی ناتوان کرده است و این همه عوامل بصیرت و فکری هر گز نخواهد توانست در او کوچکترین اثری بگذارد قرآن هم بیشتر پایه و وعده و جزای انسانها را بر تجربیه‌های حسی تعریف کرده است و مطلب را عمومیت داده ولی عبادتی که يك عالم و عاقل برای ایصال به مطلوب میکنند و یا يك عابد و عامی بعنوان وعده‌های اخروی و رسیدن بآنها انجام میدهد آیا تفاوت ره از کجاست تا بکجا؟!

فکر مرد

آفرینش زن و مرد از نظر استخوان بندی و کالبد اختلافات زیادی باهم دارند و همچنین قدرت فکری و عقلی آنها هم از نظر خلقت تفاوت دارد و هر کدام محور فکر و عقلاشان فرق میکند و از این نظر در کلیه اعمال ژندگی مادی و معنوی از نظر شارع مقدس فرق گذاشته شده است .

منظور ما در اینجا گفتگوی در این باره نیست و این امر بدیهی است که نحوه فکر و خواسته‌های يك مرد با يك زن اختلاف بسیار دارد و آن انگیزه‌ها و آرزوهای که يك مرد در ژندگی خود دارد و آنرا پرورش میدهد شاید با يك زن تباین کلی داشته باشد فکر مرد همواره در کارهای عقلی و دشوار و پر مشقت و تشکیل خانواده و اداره آن دور میزند ولی

ژن درست در نقطه مقابل قرار گرفته و در قطب مخالف است که ما بیشتر وارد تجزیه این موضوع نمی‌شویم .

فکر زن

بطوریکه میدانید تفکر زن همواره بر محور زیبایی و ظرافت دور می‌زند و وقت قلب او بمراتب از مرد بیشتر است زیباییهای زندگی که در نظر زن جلوه گر است و ظرافتهای خدا دادی که در وجود او نمودار است سبب میشود به تحکیم و تشدید اینها بیشتر علاقمند گردد و چشم و فکرش باینگونه ظواهر مشغول شود و او را برای تعقل و تفکرات بالاتری باوجود ، بطوریکه در طول تاریخ و زمان بمرحله ثبوت رسیده و ژندگی روزمره هم بر این امر گواهی میدهد .
و علم و دانش هم این مطلب را تأیید کرده است لذا اسلام هم با صراحت مطلب را بیان داشته است .

فکر جوان

مطالعه تاریخ و ملاحظات و آثار دیگر به ثبوت میرساند که جوان يك حساسیت فکری دارد و این جوان است که برای تحولات اخلاقی و جهش فکری آماده می‌باشد ، زود تغییر حالت میدهد و منقلب میشود زود تصمیم میگیرد زود آماده گذشت و فداکاری میشود زودتر میتواند قلب و دلش روژنه محبت شود و بالاخره زودتر تغییر فکر دهد لذا انقلابات جوانان در جهان در هر محل زندگی و تحولات اخلاقی و سرنوشت کشورها تغییراتی داده و اثراتی گذاشته است بنا بر این همیشه روی احساسات جوان حساب می‌شده و مورد اهمیت بوده است و عزیزترین و حساس -

ترین مردم زمان جوانان رادانسته اند اسلام هم که بزرگترین عامل تحول فکری است به نسل جوان بذل عنایت بیشتری فرموده برای احساسات و افکارشان احترام قائل شده است .

روی همین حساب در روزهای اولیه اسلام جوانانی مانند مصعب بن عمیر که دارای همه گونه آسایش و آرامش خاطر ظاهری بودند ناگهان دعوت رسول خدا یکباره آنها را منقلب کرد انقلابیکه مردم قریش را بو حشت انداخت و بعدها تعداد اینگونه جوانان رو بفرزونی گذاشت و باعلاقه خاصی ندای اسلام را بلیک گفتند عجب اینجاست که ثبات و استقامت این جوانان بمراتب از دیگران بیشتر بود .

امام صادق (ع) بیکی از اصحاب و دوستان خود «بنام ابی جعفر احوّل» سفارش میفرماید توجه تبلیغی خود را صرف نسل جوان کن و نیروی خود را در راه هدایت آنان بکار انداز زیرا جوانان ژودتر حق را می پذیرند و سریعتر بهر خیر و صلاحی میگرایند .

بطوریکه میگویند در جنگ جمل اکثریت سر بازان امیر المؤمنین (ع) را جوانان تشکیل داده و بدون چون و چرا گوش بفرمان حضرت نهاده بودند . بهر حال رقت قلب و احساسات جوان و آمادگی فکری بیشتری از دیگران داشته و برای پرورش فکر آماده ترند .

فکر پیران

هر چند بر عمر انسان بگذرد و با تحولات زمان مواجه شود و تاریخ گذشتگان را بیشتر بررسی کند و با آثار علمی و فکری دانشمندان آشنا شود و بر خورد با اجتماع و افراد مختلف نماید تجربات او بیشتر شده و در

کارها تأمل و تفکر و اندیشه بهتری پیدا کرده و با صبر و بردباری و متانت ، هر گونه پیش آمدی را مورد مطالعه قرار خواهد داد لذا در مشورت با پیر مردان و آنها که با اصطلاح سردی و گرمی روزگار و جهان را چشیده و دیده اند و فکر صائبی دارند سفارش شده باید بهره برداری کرد حضرت رسول اکرم (ص) میفرماید: پیر سالخورده در میان کسان و قوم خود مانند پیغمبر الهی بین امت خود میباشد .

سعدی علیه السلام گوید « رأی و تدبیر از پیر جهان دیده توقع دار » و از این روی هم احترام بپیران سفارش شده و به مشورت با آنان دستور رسیده و اندرزشان ستوده شده است در هر صورت آنان دورانی را سپری کرده و آفتاب عمر را با آخر وقت رسانیده و طراوت و ظرافت فکر حالت ضخامت بخود گرفته و دیر تر صفا و جمال در آن اثر میکند و هر چه بر آنان نقش بسته و عجین گشته همان است لذا مشورت با پیران عاقل پسندیده و هم نشینی با دیگران نکو هیده است .

در عین حال باید نوشت فکر پیر هر آنچه بوده با آخر رسیده است و دیگر قدرت کشش و جوش را ندارد بر خلاف فکر جوان !

فکر مؤمن !

انسان در مراحل مختلف باشیاء و موجودات گوناگون اعم از حسی و غیر حسی علاقه مند میشود این علاقه ممکن است بهر حله ایمان در آید و بدان مؤمن گردند اکنون این چه باشد و فکر کننده چگونه فکر کند و پایه منطق و برنامه فکری و مقصد فکرش چه باشد اینها همه چیزهایی است که میتواند سیر فکر او را تعیین نماید و آینده او را تاریک و یاروشن نماید که خود این بحث مفصلی است و سخن ما در این باره نیست اکنون در

باره مؤمن یعنی يك مرد و یازن مسلمان که بخدای جهان ، بعالم هستی ، پروژ پاداش و باعمال و کردار و گفتار خوب و بدو نتیجه و پایان آن و بالاخره بخوب و بد روژ کار ایمان دارد و مبدء و معادی را شناخته است گفتگو میکنیم این چنین انسان هر آنگونه عمل انجام میدهد روی حساب و نقشه و اندیشه و دقت و فکر است فکر مؤمن همواره در این باره دورمیزند چگونزه راه بهتری را برای سعادت و ترقی بجوید و از چه راهی بهتر می تواند بکمال ژندگی برسد چه خدمتی در پیشگاه خداوند پسندیده تر است چگونه انسانهای در گذشته دارای مقامات بزرگی شده اند که پس از قرن ها نامشان بعظمت برده میشود چه کردند و چه عملی باید انجام داد که پروردگار خشنود گردد و چرا مردمی که صدها سال از تاریخ ژند گیشان میگردد و فقط بیش از نامی از آنها نمانده است مردم زمان به نکوهش آنان می پردازند آخر چرا گروهی چنان در دل مردم جای گرفته و فرقه ای چنین منفور شده اند و همیشه خوب و بد را کاملا می سنجند و روی آن حساب میکنند و عاقبت آنرا در نظر می آورند و کاملا قوه بینائی فکر را در این باره نیرو میبخشند .

لذا در فکر و نظر و دل مؤمن بجز خیر و خوبی و رضای خدا و خدمتگذاری خلق و ستایش و عبادت خالق و تشکیل کانون گرم صفا و محبت زندگی فردی و اجتماعی چیز دیگری نیست و همیشه و همه وقت از بدی و آزار بدیگران و اعمال بد و ناخشنودی خداوند گریزان است آری این است آرژوی مؤمن که از فکر روشن او تراوش میکند .

فکر فاسق

نکوهیده ترین مردم آنها یند که بمردی و مردانگی و پاک کی و پاکیزگی

وثبات واستقامت و براستی و جوانمردی و خلاصه دل را با زبان پیوند نداده اند شناخته شده اند اجتماع اژ اینگونه انسانها بیزار است وجدان و عقل اینها را بباد نقرین و ملامت گرفته و کتاب و سنت آنها را ناشایسته ترین مردم دانسته و از همه بالاتر پایان زندگیشان بدر دنا کترین گرفتاریها و عذاب اخروی خدایشان وعده داده است .

اینان آنگونه مردمند که میگویند و انجام نمیدهند، وعده دهند و وفا نکنند و در مال و جان و عرض و آبروی دیگران خیانت کنند نماز پباند دارند و نظر صلح اندیشی نداشته باشند آنچه در زبان دارند در دل نداشته باشند آیات و احکام دین را باور ندارند و برای گناه و فتنه انگیزی آمادگی بیشتری ابراز دارند تا انجام فرمان خدا و دوستی و خیر خواهی در باره خود و دیگران، و تأمل و تفکر در عاقبت و پایان کار نکنند. دیگر روشن است اینگونه کسان که چنین بر نامه ای انتخاب کرده اند هدف و فکرشان بجز ارضای خاطر و رسیدن به هوای نفس چیز دیگری نیست هر چه فکر کنند و هر وسیله ای که قدرت اندیشه با آنان بدهد منظوری و استفاده ای جز اشباع غریزه شهوت ندارند .

فکر و آرزوی او فقط برای حب ذات است و هر راه که بهتر و آماده تر باشد اندیشه اش همان را انتخاب خواهد کرد. تنهایی به جهان، خانه ها خراب و خانواده هایی سرپرست و کشورهایی ویرانه شود، شکمها گرسنه و بدنهایی برهنه گردد و بالاخره او اگر تواند جهان و هر چه در اوست فدای منظوری است زیرا چشم و فکر و روان و دل زنده ندارد و غیر از این عالم عالمی ندیده و بی بدان نبرده است و اینها تا خود را اصلاح نکنند و تنبه

حاصل نمایند و بخود نیایند .

« هرگز خدا (راه) هدایت را بر ایشان باز نخواهد کرد

« هرگز فساق را هدایت نخواهد کرد » (۱)

فکر از نظر قرآن

بطوریکه در بحثهای گذشته اشاره شد فکر اصیل ترین و محکمترین پایه های ارزش انسانی و شخصیت شناخته شده است قرآن کریم هم که تنها منطق گویای الهی و بزرگترین کتاب آسمانی است که برای اصلاح و ترقی و تعالی جوامع بشری نازل گردیده بالاترین مرکز قدرت يك انسان را در نیروی فکری او دانسته و همواره ملائک انسانیت و ذیلت را باصطلاح در توسعه فکری و یا جهود آن بیان میکند صاحبان خرد، صاحبان دانش، ارباب بینائی، صاحبان اندیشه و فکر را برای کاوش های علمی و گردشهای روی زمین، مطالعات سماوی خطاب میکند و روی سخن با آنها دارد و اصلاح ژندگی را از اینگونه مردم میخواهد زیرا آماجی بیشتر دارند و در برابر آنها را که چشم و دل و گوششان از عالم ماده تجاوز نمیکنند و نیروی فکری ندارند بمنزمت و انتقاد گرفته که اینها توانائی ادراک ندارند قدرت فهم و خردشان ناقص است، پایه علمی ندارند، نمیتوانند فکر کنند ... خلاصه باینگونه جملات ناتوانی و بدبختی و کوتاه نظری و عدم قدرت فکر آنها را میسازد بنا بر این با مطالعه ای که توأم با درک آیات قرآن باشد این مطلب کاملاً روشن میشود که قرآن چگونه انسان را به تعقل و تدبیر و تعامل و دقت و مطالعه دستور میدهد و تشویق میکند و برعکس از جمود و بی توجهی

وروان و فکر را بکار نبستن مذمت مینماید میگوید و خود این برار باب خرد و دانش روشن است.

فکر از نظر روایت

امام صادق علیه السلام وقتی میخواهد که انسان شناسی را شروع کند و معرفی يك انسان که صلاحیت مصاحبت دارد بنماید چنین میفرماید :
 در گاه خواستی در مجلسی در اولین برخورد عقل (خرد و فکر) کسی را بپازمائی، مطلبی را که مشکل و ناشدنی و غیر قابل وقوع است در خلال گفتار خویش با او در میان گذار اگر دیدی بی درنگ بنادرستی مطلب پی برد و آنرا قبول نکرد مرد خرمندی است و اگر آنرا پذیرفت و قبول نمود مرد احمق و کوتاه فکری است» با امام میفرماید: «خیر و برکت هیچ ثروتی با اندازه عقل نیست و پستی و ذلت هیچ فقری بپایه حماقت (کوتاه فکری) که فقر عقلی است نمیرسد و نیز بیان امام است خرد (و فکر) دلیل مردان با ایمان است، در روایات بسیار سفارش شده با کسانی که روشنائی فکر و اندیشه ای ژنده و خردی توانا دارند باید دوستی و الفت رواداشت و در مسائل ژندگی مادی و معنوی با آنها همواره تماس گرفت و از مردمی که رشد فکری ندارند و از این عطیه بزرگ الهی محروم شده اند خود را کنار گرفت که برای نمونه شاهدی که امام سجاد بفرزند عزیزشان امام باقر میفرماید با پنج گروه مصاحبت نکن نادان و بخیل و فاسق و دروغ گو و قاطع رحم . تمام این صفات بر گشت آن بکوتاه فکری است و بالاخره يك قسمت بزرگ از روایات که از اهل بیت عصمت (ع) رسیده در اینگونه خصوصیات فکری یعنی عقل و خرد و تأمل و اندیشه است که مراحل و مراتب مختلف آنرا بیان میفرمایند و کاملاً سنجش و معیار ارزش انسانها

را روشن میکنند.

فکر از نظر اجتماع

منظور از اجتماع آن اجتماعی است که تمام احتیاجات اخلاقی و دینی و قوانین لازمه انسانها را بداند و بزبانیهای معنوی و صورتی واقف باشد و نارواینها و گرفتاریهای اجتماعی را هم درک کند که تولید اراض از کجاست و وسیله بهداشت و سلامت هم بچه نحوه امکان پذیر است و از کجا منشأ میگیرد بنا بر این اجتماع عالیترین انسانها آنرا که بمقام والای انسانیت رسیده و یا در حال رشد و نبوغ هستند می شناسد و میدانند و بان طبقه از مردم که نیروی فکری دارند و قوه تشخیص آنها ژنده است و بر اثر آفرینش با اندازه توانائی خود پی برده اند امیدوار است و میدانند سمبل اجتماع اینانند. اصلاح و خدمات اجتماعی و توسعه های دیگر باید بوسیله این انسانها صورت گیرد و هر چند تعداد این قبیل افراد بیشتر باشد اجتماع را امیدوارتر میکند و آینده بهتری را مژده میدهد زیرا در طول تاریخ ثابت شده و نمایان است در هر زمان و هر کشور و گوشه ای از عالم تعداد متفکرین و خیر اندیشان بیشتر بود آن جامعه و جمعیت برای رشد و ترقی بیشتر آمادگی داشت و در حال توسعه همه جانبه بود روی این حساب علمای علم الاجتماع و دانشمندان میکوشیده اند همه واره بر تعداد این نقرات بیفزایند و فقط برای اینها ارزش قائل بودند و در روایات و احادیث اهل بیت و قرآن که تنها اتکاء دانشمندان و بزرگترین مدرک زنده علوم و تحریک قوای فکری است اگر خوب توجه کنیم واقف می شویم چه اندازه درباره مملک شخصیت و انسانیت و عاطفه و صفات اخلاقی دیگر که همه درباره نیروی فکری بوجود میآید صحبت کرده و مورد دقت

نظر قرار داده است و پر واضح است اسلام که دین تفکر و تعقل است و دین جامع و کامل تمام جوامع بشری است همواره انسانها را در امور بتعقل و تفکر دعوت میکند و بالاترین امتیازات را برای مردمی قائل میشود که بر شد فکری و کمال معنوی رسیده باشند آری اینگونه افراد و گروه در نظر اجتماع و مردم دارای هویت روشن اند که بدانها اتکاء و اطمینان حاصل مینمایند و وجودشان را مفید و سودمند میدانند زیرا شخص عاقل و دانا و با اندیشه فقط در سراسر زندگی آنچه را طلب میکند همان خشنودی و رضای پروردگار خویش است و بس .

و بالاخره چرا فکر کنیم؟

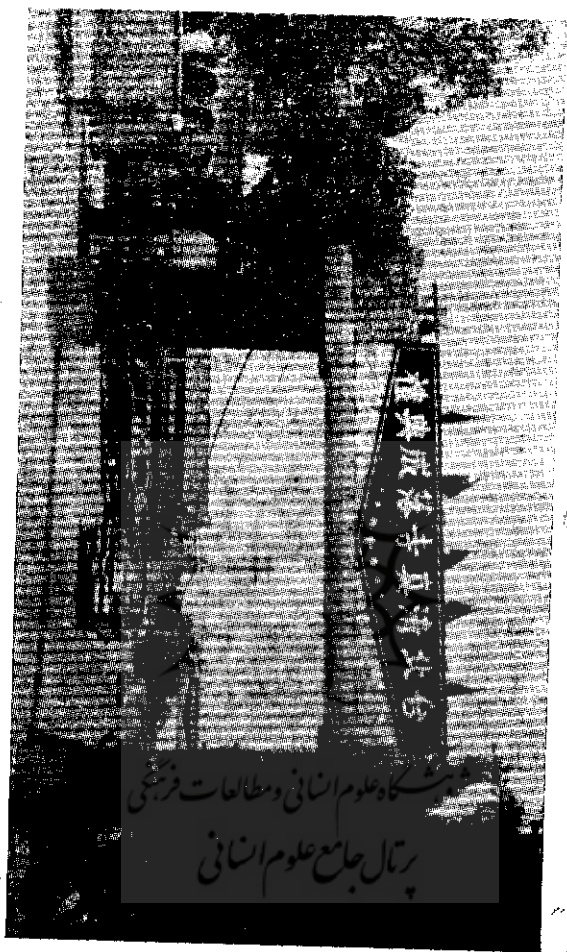
از این سطور فوق معلوم شد حماقت و کوتاه فکری بزرگترین دردهای فردی و اجتماعی است اغلب مصائب و آلام، محرومیتها و ناکامیها بر اثر نارسائی عقل و هوش است که دامنگیر انسان میگردد همانطوریکه گوهر گرانمایه عقل، برای رسیدن به مراتب کمال اذهر چه با ارزش- تراست در برابر کم هوشی و کوتاه فکری برای محروم کردن انسان از رسیدن به مراحل عالیة انسانیت اذهر عامل مؤثرتر است.

از این روی از امام ششم است هیچ ثروتی با اندازه عقل خیر و برکت ندارد و هیچ تهیدستی و فقری به پایه حماقت که فقر عقلی است ذلت و پستی ندارد و اگر روزی در جامعه بنا شود اندازه گیری عقل و فکر شود و امتحان روحی و فکری بمیان آید و زیان و خسارات وارده و سود و منافع آنرا بمیزان سنجش در آورند معلوم میشود چه زیانها و خرابیهای که بواسطه نارسائی فکرها به نسل بشر وارد آمده است .

بنابر این فکر از لوازم حیات و زندگی يك بشر است يك اجتماعی



منظره‌ای از مسجد زینبای تایبه پایتخت چین ملی که ترکیبی از معماری شرقی و غربی و ۶ میلیون دلار چینی خرج آن شده است .



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در هنگام افتتاح مسجد تاپه عده‌ای از رؤسای کشورهای اسلامی
دعوت شدند و جشن باشکوهی منعقد و طاق نصرتهای زیبا برپا شد که
دو تا از آنها را در این عکس می‌بینیم .

اگر از این موهبت خدادادی بهره برداری نکنند و آنرا بکار نیانند از دمسلم در خطر سقوط است، پیامبر انسان عقل و فکر اوست بوسیله همین فکر است که باید دور کن مهم اصول اعتقادی مبدء، و معاد را قبول نماید این پیامبر وجود است که طبعاً آدمی را بوجود انبیا و لزوم ارسالشان هدایت میکند و ثابت مینماید. قدرت همین ذخیره وجودی است که انسان را بکمال و مزایای انسانیت از دیگر... میرساند و میفهماند. لذا دوش بدوش حجج دیگر برای خطر سقوط آدمی قرار گرفت و هم پایه سه حجت و برهان دیگر بیرون آمد. کوشش و زندگی را که بر پایه عقیده قرار دارند و محور زندگی بر پایه مبارزه و جدیت می چرخد معلوم است همان ایمان و عقیده درست که آنهم جز بوسیله قوه تفکر و تعقل و خردی پاک بدست نمی آید منظور نظراست و این عقیده است که فکرها و اندیشه ها را بازمیکند و جلا و روشنائی روان می بخشد و آدمی را بکمال مطلوب آفرینش که پذیرش ایمان درست و تشخیص حق از باطل و آشنائی به آفریدگار و محبت آفریده های او است میرساند. پس نتیجه فکر این است که به هدف نهائی زندگی که همان شناختن پروردگار عزیز و ایمان و اعتقاد بوجود پیمبران و گفته های آسمانی که همان هدف خلقت است می باشد بنا بر این فکری یکی از بزرگترین موهبت های الهی است و باژ بکار بستن آن یکی دیگر از الطاف خداوندی است.